

کتابی درباره جوانمردی به بازار آمد

کتاب «حکمت و حکایت جوانمردی» نوشته‌محمدفناپی اشکوری به تازگی توسط شرکت چاپ و نشر بین الملل منتشر و روانه بازار نشر شده است.

این کتاب به تحلیل و بررسی آیین های فتوت و جوانمردی در برهه های زمانی مختلف از تاریخ پرداخته است.

فتوت و جوانمردی آیینی از حکمت است که مزموج شده با ملیت و دین بوده و پس از اسلام در ایران به واسطه عارفان اسلامی و ایرانی در مسیر گسترش اخلاق و معنویت رواج پیدا کرده است. فتوت پس از اسلام و حقایقی از فتیان و جوانمردی با محوریت حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) ازجمله مواردی است که با درنگ در منابع اسلامی و تأثیر آن در فرهنگ و ادبیات متنور و شاعرانه ایران ازجمله آثار بزرگانی همچون فردوسی،سعدی و حافظ ریشه یابی شده است. این کتاب با ۳۲۰ صفحه و قیمت ۱۶۰هزار تومان عرضه شده است.

آخرین «آبنبات» در نمایشگاه کتاب پخش می شود



مهرداد صدقی از انتشار «آبنبات لیمویی»، آخرین کتاب از مجموعه «آبنبات ها» تا پیش از نمایشگاه کتاب خبر داد. به گزارش ایسنا، صدقی نویسنده خراسانی مجموعه آبنبات ها، با اعلام این خبر گفت: نسخه نهایی «آبنبات لیمویی» را

اسفندماه سال گذشته به انتشارات سوره مهر تحویل دادم و در فرایند انتشار قرار گرفته است.

او افزود: در «آبنبات لیمویی» خوانندگان همچنان ماجراهای محسن را دنبال می کنند. محسن حالا تحصیلاتش را در دانشگاه گزگان به پایان رسانده است و می خواهد ازدواج کند.

صدقی با اشاره به اینکه «آبنبات لیمویی» آخرین جلد از مجموعه آبنبات ها خواهد بود، گفت: باتوجه به اینکه داستان «آبنبات لیمویی» در روزگار کنونی می گذرد، فعلا قصد ندارم این مجموعه را ادامه دهم و می خواهم داستان نویسی را با ژانرهای دیگر ادامه دهم.

بنا بر اعلام انتشارات سوره مهر، سه رمان طنز «آبنبات هل دار»، «آبنبات دارچینی» و «آبنبات نارگیلی» با مجموع ۸۶نوبت چاپ از پرفروش ترین کتاب های این انتشارات محسوب می شوند.

دبیر شورای فرهنگ عمومی:

۱۳زبان و گویش ایرانی در معرض نابودی است



دبیر شورای فرهنگ عمومی گفت: سیزده زبان و گویش ایرانی در معرض نابودی است. سیدمجیدامامی که در یک برنامه تلویزیونی صحبت می کرد، اظهار کرد: لهجه جزو مسائل ملی و جهانی است. مسئله زبان های در حال زوال در جهان مطرح

است و سازمان یونسکو اطلسی بر اساس خوداظهاری کشورها، از زبان ها و گویش های درحال زوال منتشر می کند. فکر می کنم حدود سیزده زبان و گویش ایرانی در معرض زوال هستند. در معرض زوال یعنی کسی دیگر به آن ها گویش نمی کند و نابودی یک زبان و گویش، نابودی یک فرهنگ است.امامی ادامه داد: دوستانم در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی سال ها قبل کار خوبی را انجام دادند و آن ضبط صوتی آواها، واج ها و جزئیات بیش از ۲۶۰ زبان و گویش ایرانی بود. من باز اینجا به کم کاری همه نهاد های مرتبط اقرار می کنم. فکر می کنم این حمله ای که به زبان فارسی شده و در مقابل آن، پاسداشت زبان فارسی و جدی گرفتن زبان معیار کاردستی هم هست. اما ما را از پاسداشت گویش ها و زبان های متنوع غیرفارسی ایران زمین غافل کرده است و من این انتقاد را به خودمان و همه دارم. او تأکید کرد، شبکه های استانی صداوسیما یکی از موفق ترین پروژه های ملی و جهانی در نگهداشت زبان های محلی را دارند. البته از سوی دیگر آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی در مطالعات این موارد کم کاری می کنند.امامی در پایان سخانشان اظهار کرد، وعده می دهم که بنیانه راهبردی تنوع فرهنگی اقوام وزبان های ایرانی تا یکم خرداد به تصویب می رسد و این اولین سند برخاسته از قانون اساسی است. قانون اساسی ما طرف دار تنوع فرهنگی و فرهنگ های متنوع مردم ایران است. امیدوارم به عنوان اولین سند مستقل بعد از قانون اساسی در این زمینه راهنمای فعالیت ها و الزام بر تلاش مسئولان برای ترویج تنوع های فرهنگی ایرانیان به ویژه زبان باشد و دیگر نگوییم در ایران سیزده زبان و گویش درحال زوال داریم.

زبان‌تبدیل

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

نویاراسته

الجزیره: هدف ایران این بود که آسمان نتانیاهوو دولتش را بموشک و پهپاد بیوشاند که موفق شد.

ویراسته

الجزیره: هدف ایران این بود که آسمان نتانیاهوو دولتش را بموشک و پهپاد بیوشاند که موفق شد. نکته

«پهپاد، سرنام» پرنده هدایت پذیر از دور، است. بنابراین، نوشتن آن به صورت پهپاد، تادرست است. معادل انگلیسی پهپاد، drone است.

#زبان-تدبیراسی

شهریار

شماره ۲۷ فروردین ۱۴۰۳
۶۰۰ شماره ۲۷۲۲



فرهنگ و ادبیات

«خط مقدم» روایتی مستند و داستانی از تشکیل یگان موشکی ایران با محوریت زندگی و کوشش های شهید

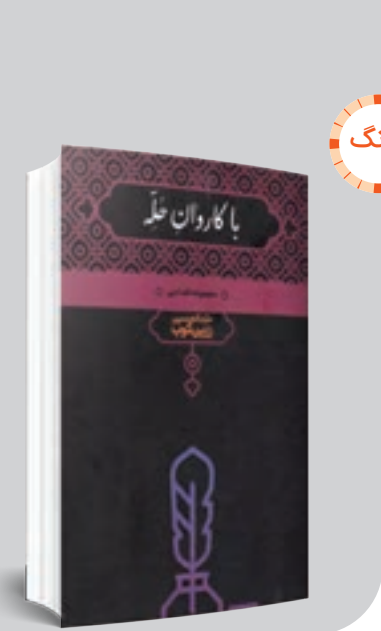
حسن طهرانی مقدم است و در آن با مردانی روبه رو می شویم که در مقطعی حساس، در اواسط دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، دست به کاری بزرگ و ستودنی زدند.

به گزارش ایبنا، کتاب «خط مقدم» کاری از فائضه غفار حدادی و نشر شهید کاظمی است و چاپ نخست آن سال ۱۳۹۷منتشر شد. تا جایی که می دانیم، اکنون چاپ شانزدهم این کتاب در دسترس مخاطبان قرار دارد. همچنین کتاب «با دست های خالی» از مهدی بختیاری (انتشارات یازهارا) کوششی برای شناخت شهید طهرانی مقدم است.

پیشنهاد روز

«منطق الطیر» عطار نیشابوری از نظر عبدالحسین زرین کوب

سیمرغ سیروسفری روحانی است و در داستان پردازی کم نظیر

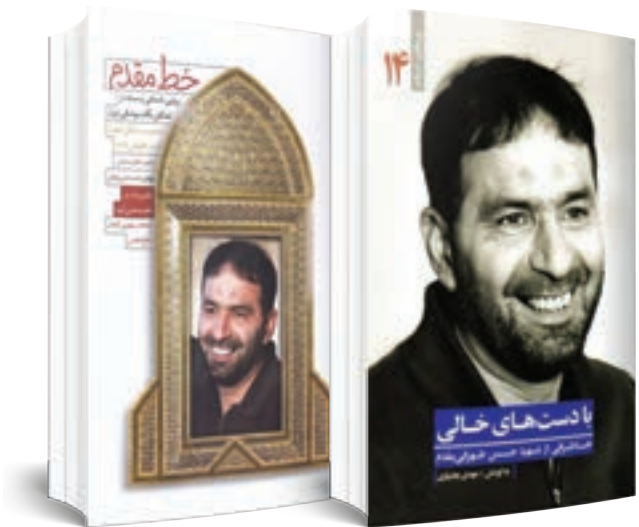


درنگ

معرفی ۲ کتاب در حوزه ادبیات مقاومت با موضوع اقدامات شهید طهرانی مقدم

● ابعادی از شخصیت شهید طهرانی مقدم، با مرور خاطراتی از او

سردار ناصر شهسواری که سال های طولانی، از نزدیک باشهید طهرانی مقدم



«منطق الطیر» که داستان معروف «سی مرغ» است، از مشهورترین قصه های ادبیات کلاسیک فارسی و ادبیات عرفانی ماست. عطار، شاعر و عارف نامی قرن ششم که به تازگی روز بزرگداشتش را پشت سر گذاشتیم، علاوه بر این مثنوی، آثار متعددی بر جای گذاشته است. اما این قصه بیش از بقیه میراث او شناخته شده است. به طوری که عامه مردم هم اگر حتی نام خالق آن را ندانند، داستان آن را شنیده اند. بسیاری ازجمله دکتر عبدالحسین زرین کوب، «منطق الطیر» را مهم ترین مثنوی عطار دانسته اند. زرین کوب در کتاب «با کاروان حله» که مشتمل بر بیست مقاله است و در هر مقاله به شاعری پرداخته، صفحاتی را نیز به عطار اختصاص داده است. آنچه در ادامه می آید، برشی از این مقاله و درباره اهمیت «منطق الطیر» است.



مهم ترین و مشهورترین مثنوی عطار، «منطق الطیر» است که هم از جهت شیوه تلفیق داستان اهمیت خاصی دارد و هم از لحاظ نتیجه ای که از آن به دست می آید. «منطق الطیر» درواقع یک نوع حماسه عرفانی است شامل ذکر مخاطر و مهالک روح سالک که به رسم متداول قدما از آن به «طیر» تعبیر شده است. این مهالک و مخاطر در طی مراحل هفت گانه سلوک که بی شبهات به «هفت خان» رستم و اسفندیار نیست، پیش می آید. منتها این هفت خان روحانی فقط گذرگاه یک قهرمان بی همانند نیست. روح های مختلف که به تقرب مناسبات اخلاقی به صورت موسیچه و طوطی و کبک و باز و دراج و

باز نشر گفت وگویی با حسین آتش پرور به مناسبت چاپ سوم رمان «خیابان بهار آبی بود»

عصر تمرکزگرایی به سر آمده است

● زبان در این رمان، به ویژه از دو منظر لحن شخصیت ها

و بومی سازی قابل بررسی است. استفاده از گویش بومی در این رمان تا اندازه ای است که در بعضی بخش ها داستان سخت خوان شده است و خواننده به ناگزیر باید به فهرست اصطلاحات رجوع کند. درعین حال، هویت خاصی به شخصیت ها و رمان شما داده است. آیا نگران سخت خوان شدن رمان نبودید؟

عصر تمرکزگرایی گذشته است ومسئله خرده فرهنگ ها مطرح است. گویش های بومی ما باتوجه به مختصات بومی و اقلیمی، دارای تنوع گسترده ای هستند. هر منطقه گویش و دستور زبان خودش را دارد که وجود آن ها در ادبیات ملی نه تنها لازم است، بلکه به زبان معیار کمک و آن را غنی می کند. از این دیدگاه نباید نگران به کارگیری زبان بومی باشیم. زبانی که در بخش هایی از این رمان استفاده شده، گویش مردم همین منطقه است، زبان دری، زبانی که بیپهگی و فردوسی آثارشان را با آن خلق کرده اند. وقتی شخصیت های من در این محیط و جغرافیا زندگی می کنند، باید در همین محیط دیده شوند و از همین زبان استفاده کنند، وگرنه مثل ماهی ای خواهند بود که بیرون از آب باشد. ما ظرفیت های زیادی باتوجه به تنوع بومی ایران برای استفاده از زبان داریم که باید درست از آن ها استفاده کنیم. به طور کلی از ذخیره های زبانی در داستان نویسی ماکثر استفاده می شود و بیشتر نویسنده ها به رخدادهای حاد حه می پردازند. اغلب، یک شخصیت یا همه شخصیت ها در تمام داستان، یک زبان، یک لحن و حتی گاه تشخیص نمی دهیم کسی که صحبت می کند زن است یا مرد؛ درحالی که یک شخصیت در مکان ها و زمان ها و اوضاع مختلف نوع صحبتش متفاوت است، طرز بیان او در اداره با رئیس و ارباب رجوع، گرچه در یک مکان هستند، فرق می کند یا با فروشندگانی که از او خرید می کند. همین شخصیت طرز صحبتش با دوست تا افراد خانواده تفاوت دارد. مردم نه تنها می باید در رفتار

و کردار و موقعیت بلکه در زبان و گویش خود دیده و شخصیت سازی شوند. این امر به واقعیت پنداری داستان بیشتر کمک می کند. برای من استفاده از زبان و گویش در جایگاه داستانی خودش بسیار مهم است و در این رمان نیز تغییر آن را از روستا به شهر نشان داده ام. به طور کلی در این رمان زبان خطی نیست و متناسب با زمان، مکان و موقعیت شخصیت ها و فردیت ها متغیر است. زبان کودکی بهمین با بزرگی او در شهر و روستا کاملاً متفاوت است.

● اساساً زبان بومی چه جایگاهی در داستان نویسی دارد؟ و آیا دیگر داستان نویسان خراسانی عصر ما نیز به زبان بومی این منطقه اهمیت می دهند؟

استفاده از زبان های بومی به زیست نویسنده یازمی گردد و اینکه از زبان و دیگر موقعیت های بومی استفاده کند یا نه، نکته مهم این است که خراسان در مشهد خلاصه نمی شود. خراسان را باید در شهرهای کوچک و روستاهایش از نظر زبان و گویش دید. فقط محمود دولت آبادی است که این زبان را در آثارش کاربردی کرده است. در دیگران کمتر دیده ام. بیشتر نویسنده ها ترجیح می دهند با زبان معیار بنویسند و در جنوب این اتفاق بیشتر افتاده است و به آن توجه می کنند که نمونه های آن را در کارهای محمدرضا صدقیری و منیرو روانی پور می بینیم. چه بخواهیم چه نخواهیم،

دیگران

حسین آتش پرور، نویسنده هفتاد و یک ساله خراسانی، در دیسبان به دنیا آمده اما در کودکی به مشهد مهاجرت کرده است. او اولین داستانش را سال ۱۳۵۱ منتشر کرده است. علاوه بر اینکه او را داستان نویسی سوررئال می شناسند، یکی از بومی نویسان خراسانی است. رمان «خیابان بهار آبی بود» که نخستین بار سال ۱۳۹۴ منتشر شد، یکی از پنج برگزیده نهایی آثار داستانی متفاوت (واو) در سال ۱۳۸۵ بود. این رمان به تازگی به چاپ سوم رسیده است. روزنامه اعتماد به همین مناسبت با آتش پرور گفت وگویی کرده است که گزیده ای از آن در ادامه می آید.

جامعه ما در حال گذار است و ما ناچار به تغییر هستیم. همچنان که اشاره شد، مادر ایران تنوع بوم داریم. برای مثال بوم و اقلیم شوشتر با بوم و اقلیم سرخس بسیار متفاوت است و این تفاوت روی زیست و به تبع آن فرهنگ و ادبیات اثر می گذارد. مدرنیزاسیون بوم های ما را یک شکل می کند، اما انعکاس تنوع اقلیمی را در داستان نویسی ایران می بینیم.

● مکان نیز در کارهای شما برجسته است. توجهی که به جزئیات و تصویرسازی و فضا سازی دارید، منجر شده است مکان های این رمان هویت پیدا کنند؛ چه در بخش شهری، از بازار و زاغه نشینی و تصویر خیابان ها در اعتراضات دانشجویی و چه در روستا. درباره اهمیت مکان در این رمان بگویید.

اشاره خوبی کردید. انسان بدون جای ای نمی تواند باشد. باید جایی باشد که بتواند روی آن بایستد که اسمش خانه است. کوچه در روستا و خیابان در شهر است. اسمش کشور است. همان طور که قبلاً اشاره کردم، در داستان های امروز بیشتر آدم ها خودشان را نشان می دهند، بدون اینکه نشانی جای پایشان را بدهند. من امیدوارم توانسته باشم وفاداری ام را به زمین و جایی که روی آن ایستاده ام و تکیه گاه من است، چه در روستا و چه در شهر با احترام گذاشتن نشان بدهم. نگاه کنید به سفرنامه ناصر خسرو که ازجمله آثاری است که در آن به مکان اهمیت داده شده است. همین شهرهای را که ناصر خسرو از آن ها عبور کرده است، امروز می توانیم به خوبی با جزئیات دقیق ببینیم، مودی که در داستان های معاصر کمتر دیده می شود.

مجاهدت پدر موشکی ایران به روایت ادبیات

برادرش، سردار محمد طهرانی مقدم نیز تعریف می کند: آن زمان ارتش یعنی فکر می کرد که در پاسخ به موشک هایی که علیه مردم و شهرهای ما استفاده می کند، کشور ما چیزی ندارد. اما حاج حسن آقا موفق شد پاسخ دندان شکنی به دشمن یعنی بدهد. آن موقع در حالی که آن ها تصورش را هم نمی کردند، ایران موفق شد خط تولید موشک های اسکادر را راه اندازی کند. این پاسخ مؤثر، عامل بسیار بازدارنده ای برای ارتش عراق شد. ما حتی نوآوری هایی داشتیم که توانستیم سوخت جامد را در عرصه موشکی تولید کنیم. شهید عزیزمان نه تنها این سوخت را در کشور دوست کرد، بلکه به برخی کشورهای حاج حسن حتی به لبنان هم رفت و یگان موشکی حزب الله... را در آنجا ایجاد کرد.

چیزی به جز همان «سی مرغ» سالک نیست و بدین گونه حقیقت اتحاد و معنی واقعی آنچه نزد عرفا «وحدت وجود» خوانده می شود، در طی این قصه حصول می یابد. استفاده از قصه برای پروردن مقاصد عرفانی و فلسفی سابقه دراز دارد، چنان که داستان حی بن یقظان و سلامان و ابدال در نزد حکمای اسلام از قدیم وسیله ای برای بیان مقاصد اهل حکمت و عرفان بوده است. همچنین نزد ابن سینا داستان طیر متضمن بیان احوال نفوسی شده است که در برابر لذایت و فریبندگی های این جهان نمی توانند مقاومت ورزند و شیخ چنین نفوسی را تشبیه به کبوترانی کرده است که غافلانه به دام صیاد می افتند. این تشبیه نیز خیلی قدیم و هم خیلی شایع است، چنان که در بین اشعار «تعلیمی» پرودانس شاعر رومی هم که در قرن چهارم مسیحی می زیسته است، آن را می توان یافت. در داستان عطار غایت سیر و سفر مرغان حضرت سیمرغ است؛ یک مرغ افسانه ای که در اوستا و داستان های خدای نامه و حتی در اساطیر مندیایی نیز درآمده است و عطار نام او را به کمک یک «بازی لفظی»، با لفظ «سی مرغ» که جمع تعداد مرغان زایر است، یکی کرده است تا باین باری آنچه را صوفیان در بیان اتحاد و وحدت دارند، به زبان قصه تعبیر کند. پیش از عطار نیز سهوردی در رساله عقل سرخ و هم در رساله صغیر سیمرغ از این مرغ بی نشان الهام گرفته است، اما در جمع سلسله «رساله های طیر» که از ابن سینا و غزالی و دیگران باقی است، منطق الطیر عطار از حیث عمق تعلیم و قدرت داستان پردازی مزیّتی خاص دارد.



● پس اجازه دهید درباره خیابان بهار بیرسم که این خیابان شاهد اعتراضات است، شاهد زایش است و تغییر بهمین... اسمش هم نشان دهنده باروری و زایش است. این خیابان وجود دارد یا در تخیل شما ساخته شده است؟

این خیابان در داستان من می تواند نماد هم باشد، اما وجود دارد. خیابانی در مشهد است که از فلکه برق تا فلکه تبتی آقا امتداد دارد.

● آیا داستان های اخیر متأثر از رخدادها و وقایع اجتماعی این سال ها هستند؟

بی شک این رخدادها اثر گذارند، اما به خاطر داشته باشیم که داستان زندگی است، وقایع نیست. وقتی از وقایع و رخداد صحبت می کنیم، می شود کار روزنامه که تاریخ مصرف دارد. رخدادها، وقایع، اتفاقات و مسائل می توانند منابع مهم و مواد اولیه یک داستان نویس باشند که هستند. اما می باید در ذهن نویسنده رسوب کنند تا به ادبیات و هنر تبدیل و در هر زمانی ماندگار شوند. وقتی می گویم هواسر است، از سردی هوا خبر می دهیم، اما وقتی می گویم هوا پس ناجوانمردانه سرد است، با آوردن قید بس و صفت ناجوانمردانه در کنار سردی هوا وارد حوزه ادبیات می شویم و از موقعیت حرف می زنیم. در نمونه ای دیگر که در جایی اشاره کردم، همه ما می دانیم که یکی از آشخورهای فردوسی، تاریخ طبری است. چرا فردوسی مشهور و همه زمانی می شود، اما طبری به اندازه او مشهور نیست؟ زیرا طبری در تاریخ می ماند، اما فردوسی با زبان هنر که همان شعر است، از تاریخ عبور می کند و وارد حوزه ادبیات می شود. این همان چیزی است که ادبیات ماکم دارد.